

# نگاهی انتقادی به سجع انواع آن

■ دکتر اصغر شهبازی  
دانشگاه تربیت معلم شهر کرد

## ■ چکیده

موسیقی به دست آید؛ به گونه‌ای که در تداعی معانی و القای احساس و اندیشه مطلوب، نقش داشته باشد. در همین لایه، یکی از آرایه‌های ادبی که می‌تواند به شاعر یا نویسنده بسیار کمک کند، سجع است. سجع همچون قافیه در مواضع خاصی از کلام می‌آید و در تنظیم فکر و احساس شاعر و در نهایت، موسیقی کلام تأثیر به‌سزایی دارد.

متأسفانه کلی‌گویی‌های موجود در باب سجع و انواع آن باعث شده است که این عنصر موسیقی‌آفرین در زبان ادبی به‌خوبی کاویده نشود. البته بخشی از این موضوع، نتیجه‌ی تألیف کتاب‌هایی کلی است در حوزه بلاغت ادب فارسی. اگر محققان و پژوهشگران حوزه بلاغت، از این پس به این فکر باشند که کتاب‌هایی اختصاصی درباره‌ی یکی از صناعات ادبی تألیف کنند و ما شاهد کتاب‌های مستقلاً درباره‌ی استعاره، سجع، کنایه و... باشیم؛ شاید بسیاری از این ابهامات برطرف شود.

درباره‌ی سجع، به‌ویژه در گذشته، بعضی می‌پنداشتند که سجع مخصوص نثر است و آن هم اواخر قرینه‌ها. به همین دلیل نیز از فروع و جوانب آن و همچنین سجع‌پردازی در شعر غفلت می‌کردند؛ وانگهی در همین مطالعات نیز، انواعی از سجع را با انواعی دیگر آمیخته می‌شد و حتی به‌طور دقیق مشخص نمی‌شد که منظور از وزن در سجع، وزن عروضی است یا وزن صرفی.

نظر به چنین مشکلاتی نگارنده بر آن شد تا در این مقاله با مروری بر انواع سجع، براساس محل قرار گرفتن کلمات مسجع، به برخی از ابهامات موجود در این زمینه پاسخ دهد، باشد که این وجیزه روزنه‌ای باشد برای علاقه‌مندانی که قصد دارند در آینده در این خصوص علمی‌تر و تخصصی‌تر آثاری تألیف کنند.

در بررسی موسیقی شعر، سجع در قلمرو موسیقی درونی شعر جای می‌گیرد و در این بخش، نقش انکارناپذیری دارد. متأسفانه به‌دلیل کلی‌گویی‌های موجود در این زمینه، هنوز انواع سجع، که از مقدماتی‌ترین مباحث در این خصوص است، به خوبی تبیین نشده است. گروهی سجع را فقط به اواخر قرینه‌ها و آن هم در نثر محدود کرده و از نقش سجع در شعر غفلت کرده‌اند یا ازدواج و اعنات‌القرینه را یکی دانسته‌اند و موارد دیگر، وانگهی منظور از وزن در سجع، به خوبی روشن نشده است؛ گروهی منظور از وزن را وزن عروضی می‌دانند و گروهی وزن صرفی و این جدا از اختلاف‌نظرهای موجود در تمییز ترصیع و موازنه است. با توجه به این اختلاف‌نظرها، نگارنده در این مقاله در یک جمع‌بندی کلی، سجع را براساس محدوده‌ی آن و محل قرار گرفتن کلمات مسجع مورد بررسی قرار داده و نشان داده است که این شیوه بهترین شیوه برای آموزش سجع و انواع آن است و اختلاف‌نظرهای موجود را به حداقل می‌رساند.

**کلیدواژه‌ها:** سجع، انواع سجع، محل قرار گرفتن کلمات مسجع

## ■ مقدمه

امروزه در پرتو مطالعات زبان‌شناختی آثار ادبی مشخص شده است که زبان در آثار ادبی یک نظام چند لایه است؛ نظامی که در هر سطح از آن از امکانات بالقوه‌ی زبان به شکل‌های مختلف استفاده می‌شود. مثلاً در سطح آوایی و موسیقایی، شاعر آواها، حروف، هجاها، کلمات، ترکیبات و جملات را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که از ترکیب آن‌ها نوعی





## انواع سجع

سجع در لغت به معنی «آواز کیوتر و فاخته» است، اما در اصطلاح یعنی مراعات کلمات هم وزن و هم حرف در مواضعی از کلام. بهترین شیوه برای بررسی انواع سجع، بررسی آن براساس محدوده سجع و محل قرار گرفتن کلمات مسجع است.

۱. اگر محدوده سجع از یک جمله (بخش/قرینه) فراتر رود و کلمات مسجع فقط در پایان جمله‌ها بیایند، به گونه‌ای که اگر جمله‌ها را زیر هم قرار دهیم کلمات مسجع درست در مقابل هم قرار گیرند، سه نوع سجع پدید می‌آید:

الف. سجع متوازی: سجعی است که کلمات مسجع پایان قرینه‌ها از نظر وزن و حرف «روی» یکسان باشند. مثال‌ها:

هر که با بدان نشینند نیکی نبینند. (سعدی)  
همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال. (سعدی)

چنین گوید، شکسته دل مردی، خسته و هراسان، یکی از مردم طوس خراسان... راوی قصه‌های یادرفته و آرزوهای برآدرفته. (اخوان)

## چند یادآوری

۱. یادآوری اول: استاد همایی درباره وزن در سجع می‌نویسد: «مقصود از وزن در اینجا، سکون و حرکت حروف است، اما خصوصیت حرکات شرط نیست. به عبارت دیگر مقصود وزن عروضی است نه صرفی» (همایی، ۱۳۷۳: ۴۱). این در حالی است که مطالعه آثار قدما نشان می‌دهد که ایشان علاوه بر رعایت وزن عروضی، به وزن صرفی کلمات نیز در جهت آفرینش موسیقی درونی و سجع‌آفرینی توجه داشتند و مثلاً تا می‌توانستند امثال «عقل» و «عدل» را در قرینه سجع قرار می‌دادند که هم وزن عروضی داشت و هم وزن صرفی و صرفاً به وزن عروضی اکتفا نمی‌کردند و کمتر امثال «کوثر» و «طوبیا» را در محل سجع قرار می‌دادند.

یادآوری دوم: نظیر سجع را در قرآن، «فاصله» می‌گویند و جمع آن را «فواصل» می‌خوانند. در قرآن نیز به این مطلب اشاره شده است: «کتاب فصلت آیاته» (کتابی که جدا گردیده است آیت‌هایش). (سوره فصلت، آیه ۳). خفاجی در این خصوص می‌گوید: «قصد علمای بلاغت از اینکه سجع را در قرآن کریم فاصله خوانده‌اند، این بوده که خواسته‌اند قرآن را از صنعتی که مخصوص

کاهنان بود، برکنار دارند» (خفاجی، ۱۳۷۲: ۲۰۵). مثال از فواصل قرآن: **والتَّجَمَّ اذا هَوَى**، ما ضَلَّ صاحبکم و ما غَوَى (نجم، آیات ۱ و ۲).

ب. سجع مطرف: سجعی است که کلمات مسجع پایان قرینه‌ها از نظر حرف روی (آخرین حرف اصلی اسجاع) یکسان باشد: متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد. (سعدی)

محبت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست.  
الهی مکش این چراغ افروخته را و مسوز این دل سوخته را. (خواجه عبدالله انصاری).

از فواصل قرآن: **الم نجعل الارض مهاداً و الجبال اوتاداً**. (نبا، آیات ۷-۶).

یادآوری: در سجع مطرف، نباید اختلاف وزن در کلمات زیاد باشد، به عبارت دیگر صرف همسانی روی در کلماتی مانند «دانشمند» و «پند»، سجع زیبایی پدید نمی‌آورد. اصولاً باید دانست هدف از سجع، هرچه بیشتر آهنگین کردن سخن است و برای این منظور، هرچه حروف و اصوات کلمات، همانندی بیشتری داشته باشند و کلمات مسجع، غنی‌تر باشند، سجع قوی‌تری به دست می‌آید؛ مانند سجع مطرف در کلمات «راز» و «نماز».

ج. سجع متوازن: سجعی است که کلمات مسجع پایان قرینه‌ها از نظر وزن عروضی یکسان و هماهنگ باشند:

مال از بهر آسایش عمر است، نه عمر از بهر گرد کردن مال. (سعدی)

ملک بی دین باطل است و دین بی ملک ضایع. (کليلة و دمنه)

از فواصل قرآن: **و آتیناهما الكتاب المستبین و هدیناهما الصراط المستقیم**. (صافات، آیات ۱۱۸-۱۱۷)

یادآوری: کلمات مسجع در سجع متوازن، گاهی فقط از نظر حروف آخر اختلاف دارند که در این صورت جناس مطرف هم دارند؛ مانند «نان» و «نام». اصولاً باید گفت که تفاوت سجع و جناس در این است که در جناس تکیه بر تکرار حروف است، اما در سجع تکیه بر وزن و موسیقی. برای مثال، کلمات «پرست» و «شکست» سجع دارند، اما جناس ندارند (فشار کی، ۱۳۷۴: ۲۲).

## ادامه مطلب در وبگاه مجله



- منابع
۱. قرآن مجید، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، نیلوفر و جامی، تهران، ۱۳۷۶.
  ۲. جرجانی، عبدالقاهر؛ اسرار البلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.
  ۳. خفاجی، ابن سنان؛ سر الفصاحه، به تصحیح عبدالمتعال الصعیدی، مطبعة محمدعلی صبیح، ۱۳۷۲ هـ. ق.
  ۴. رادویانی، محمدبن عمر، ترجمان البلاغه، به کوشش محمدجواد شریعت، دژنویشت، اصفهان، ۱۳۸۶.
  ۵. رجایی، محمدخلیل؛ معالم البلاغه، کتایفروشی معرفت، شیراز، ۱۳۵۳.
  ۶. رشید و طواط، محمد؛ حدائق السحرفی دقایق الشعر، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، طهوری، تهران، ۱۳۶۲.
  ۷. شمس قیس‌رزی؛ المعجم فی معاییر الاشعار العجم، به تصحیح علامه محمد قزوینی و محمدتقی مدرس رضوی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۰.
  ۸. شمیسا، سیروس؛ معانی و بیان، فردوس، تهران، ۱۳۷۴.
  ۹. صادقیان، محمدعلی؛ زیور سخن در بدیع فارسی، دانشگاه بزد، چاپ دوم، بزد، ۱۳۸۸.
  ۱۰. فشار کی، محمد؛ بدیع، جامی، تهران، ۱۳۷۴.
  ۱۱. کرکائی، محمدحسین (شمس‌العلماء)؛ ابداع البدایع، به اهتمام حسین جعفری، احرار، تبریز، ۱۳۷۷.
  ۱۲. واعظ کاشفی، میرزا حسین؛ بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، به تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، معراج، تهران، ۱۳۶۹.
  ۱۳. هدایت، رضالی‌خان؛ مدارج البلاغه، معرفت، شیراز، ۱۳۵۵.
  ۱۴. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۳.